

مؤلفه های مؤثر بر رسمیت یافتن قرائات

فروغ پارسا

چکیده

پس از رحلت پیامبر، عواملی همچون: اختلاف نقل شفاهی قرآن، اختلاف لهجه ها، اختلاف مصاحف، تجرید مصحف از قواعد املائی و اموری دیگر موجب پیدایش اختلاف قرائات قرآن گردید. اختلاف قرائات و اندیشه درستی و نادرستی قرائات مختلف و معیارهای مربوط به آن نیز به نوبه خود انگیزه پیدایش علم قرائات گردید. و قاریان در بوم های مختلف جهان اسلام با بهره گیری از علوم نحو، حدیث، فقه و تفسیر، به اجتهاد و ابداع قرائت های مختلفی از قرآن مبادرت کردند؛ تا سرانجام در قرن چهارم هجری ابن مجاهد، قاری بغداد، با استفاده از منصب شیخ القرائی و نفوذ سیاسی، توانست هفت قرائت از پنج شهر مهم را رسمیت بخشد و قرائت های دیگر را غیر مجاز و شاذ اعلام کند. علاوه بر نفوذ سیاسی، شخصیت علمی و زیرکی و فراست ابن مجاهد در بهره گیری از شرایط ویژه قرن چهارم و نیز موقعیت فرهنگی شهر بغداد و سابقه قرائت شهر کوفه از مؤلفه های مؤثر در رسمیت یافتن قرائت های هفتگانه بود.

کلید واژه ها: تاریخ قرآن، تاریخ قرائات، تاریخ اسلام، ابن مجاهد، قاریان، قاریان هفتگانه.

بی تردید نخستین قرائت از قرآن کریم هم زمان با نزول اولین آیات آن در غار حرا توسط رسول اکرم (ص) انجام پذیرفته، ولی تاریخ پیدایش علم قراءات ادوار مختلفی را به خود دیده است. پس از پیامبر، صحابه مسئولیت آموزش قرائت قرآن را به عهده می گیرند که البته در این ویژگی همه اصحاب در یک مرتبه قرار نگرفته اند.

گزارش های تاریخی، این نکته را روشن می سازد که برخی از صحابه از جمله علی (ع)، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود در زمان پیامبر مشهور به روایی قرائت قرآن بودند که هم ایشان بعدها محور وجوه مختلف قرائات گردیدند. به همین ترتیب در طبقه بعدی یعنی صفار صحابه امر آموزش قرائت ادامه می یابد. با گسترش سرزمین های اسلامی و افزونی شمار مسلمانان غیر عرب که تمایل به فراگیری قرآن دارند، دامنه فعالیت مقررین قرآن گسترش می یابد. از سوی دیگر عواملی همچون اختلاف نقل شفاهی قرآن، اختلاف لهجه ها، اختلاف مصاحف و علل دیگر موجبات پیدایی قرائات مختلفی از قرآن در محافل علمی را فراهم می کند. چنانکه از قرن دوم بدین سو عالمانی اهتمام خود را مصروف امر قرائت نموده، دست اندرکار ساماندهی و انسجام علمی قرائت گردیدند. در جریان فراز و نشیب های علم قرائت، رسمیت یافتن قرائت های هفتگانه در اوایل قرن چهارم هجری بسیار قابل توجه می باشد. این نظریه که نخستین بار توسط مقرئ معروف بغداد، ابن مجاهد بغدادی (د. ۳۲۴ق) مطرح شده، ضمن اینکه با انتقادهایی از سوی قاریان مواجه شد، تحولی عظیم در این علم ایجاد کرده است.

بررسی شخصیت علمی - سیاسی ابن مجاهد و تا حدودی بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران وی و تبیین مؤلفه های مؤثر بر رسمیت نظریه قرائات سبع موضوع اصلی این تحقیق می باشد.

البته پیش از ورود به بحث، سیر تحول علم قرائات و تحدید گرابی در آن به اجمال تبیین می گردد.

۱. مروری بر تاریخ پیدایش علم قرائات و تحول آن

از هنگامی که پیامبر اکرم (ص) نخستین بار فرمان قرائت قرآن را از فرشته وحی دریافت

کرد تا زمانی که علم قرائت شکل منسجم و یکپارچه ای به خود گرفت قطعاً ادوار مختلفی سپری شده است و البته قرائت به معنای تلاوت و خواندن قرآن با علم قرائت به عنوان علمی که از کیفیت ادای کلمات قرآن بر مبنای روایات مربوط بحث می کند. تفاوت دارد.

پیامبر (ص) پس از دریافت وحی، فرمان قرائت آن را برای دیگران دریافت کردند.^۲ و قرآن را به اصحاب آموزش می دادند. علیرغم اینکه احادیثی مبنی بر چندگونه بودن قرائت قرآن از سوی پیامبر نقل شده ولی پژوهشگران با نقد این روایات مدلل می دانند که اختلاف قرائات مربوط به دوران پیامبر (ص) نبوده است و این گونه احادیث در دوران های بعدی بر ساخته شده اند.^۳ در مرحله بعد صحابه به نوبه خود، پس از فراگیری قرآن آن را به دیگران آموزش می دهند. در همان حال عده ای از اصحاب که علاقمندی بیشتری به تلاوت و حفظ قرآن داشته و به این امر مشهور بودند. از سوی دیگران مورد رجوع قرار می گیرند.

می توان تصور کرد که اختلاف قرائات و هسته اولیه پیدایش علم قرائات از این جا ناشی گردید که برخی اصحاب با تشکیل حلقه آموزش و قرائت قرآن، بر مبنای مصحف های خود قرائت خاصی از قرآن ارائه دادند. ذهبی از ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، عمرو بن زید، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابو موسی اشعری و زید بن ثابت، به این عنوان نام می برد.^۴

بعضی از همین افراد به عنوان معلمان قرآن به بلاد مختلف گسیل شدند. به همین دلیل است که بین قرائت قرآن در شهرهای مختلف اختلاف حاصل می گردد. گفته شده همین اختلاف، خلیفه سوم را مجبور به تدوین مصحف رسمی و سوزاندن مصاحف مختلف کرد. همان مصحفی که به مصحف امام مشهور گشت و بلاد مختلف فرستاده شد.^۵ در اینجا باید به طور ضمنی اشاره کرد که روایات مربوط به توحید مصاحف از جانب عثمان با هم همخوانی ندارند و در جزئیات بعضاً متناقض به نظر می رسند چنانکه برخی از دانشمندان شیعه^۶ و نیز خاورشناسان بدان اشاره داشته اند.^۷

با این همه توحید مصاحف عثمان نیز نتوانست مسئله اختلاف قرائات را از بین ببرد. در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم علم قرائات شکل می گیرد، و اساتید قرائت با ضبط و نقد روایات مربوط به قرائت و گزینش روایات صحیح، قرائت ویژه ای به مردم عرضه می دارند.

چنانکه نافع، قاری مدینه می گوید:

من قرآن را بر ۷۰ نفر از تابعین قرائت کردم و از میان آنها فقط قرائاتی را که حداقل ۲ نفر از تابعین درباره آنها دارای توافق نظر بودند اختیار کردم و بقیه را رها نمودم.^۸ با این ترتیب در بوم های مختلف جهان اسلام افرادی به عنوان استاد قرائت مشهور بودند و مردم قرائت آنها را فرا می گرفتند. به طور خاص قاریانی که به عنوان قراء سبعه به وسیله ابن مجاهد گزینش شدند متعلق به این دوره یعنی اواخر قرن اول و اواسط قرن دوم می باشند.

۱. ابو عمرو علاء مازنی (م ۱۵۴هـ. ق) قاری بصره؛ ۲. حمزة بن حبيب زيات (م ۱۵۶هـ. ق) قاری کوفه؛ ۳. نافع بن ابی نعیم (م ۱۶۹هـ. ق) قاری مدینه؛ ۴. ابن عامر، عبدالله بن عامر یحصبی (م ۱۱۸هـ. ق) قاری شام؛ ۵. عبدالله ابن کثیر (م ۱۲۰هـ. ق) قاری مکه؛ ۶. عاصم (م ۱۲۸هـ. ق) قاری کوفه؛ ۷. کسایی، علی بن حمزه (م ۱۸۹هـ. ق) قاری کوفه.

لازم به ذکر نیست که این افراد در زمان خودشان به عنوان قاریان هفتگانه گزینش نشده بودند. بلکه در عرض قاریان دیگر قرائتی داشتند. گزارش شده یحیی بن یعمر (م ۸۹هـ. ق) نخستین کسی است که در این دوره به تألیف درباره قرائت پرداخته است.^۹ برخی نیز مانند سید حسن صدر، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق) را اولین مولف در این علم دانسته اند. ابان بن تغلب از اصحاب امام صادق است که کتابی در قرائت دارد.^{۱۰} ابن خالویه در کتاب المختصر فی شواذ القرآن، قرائت وی را ضبط کرده است. ابن جزری نیز وی را معرفی کرده است.^{۱۱}

در قرن سوم کار تألیف و تدوین در قرائات گسترش می یابد. تالیفات علم قرائت در این دوره جمع آوری شده است.^{۱۲} باید توجه داشت جریان اختیار گزینی در قرائات نیز در این دوره آغاز می شود. از سوی دیگر با شکل گیری علم نحو در قرن سوم، قواعد نحو در علم قرائت دخالت می کند و معیار مطابقت قرائت با دستور زبان عربی پدید می آید. تالیفات ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴هـ. ق) و ابو حاتم سجستانی (م ۲۵۵هـ. ق) نمونه ای از آثار برجسته در این دوره است، که به کاربردهای نحو در قرائت پرداخته و نیز هر دو دارای اختیار در قرائت می باشند. ابن جزری می گوید: ابو حاتم اولین کسی است

که در قرائات تالیف کرد و اختیار داشته است. ۱۳. اختیار ابو حاتم از نظر گرایش مکتبی در زمره قرائات بصری است. ۱۴.

همچنین ابن جزری پس از تمجید از ابو عبید خاطر نشان می‌سازد که وی اختیار در قرائت داشته است. ۱۵. در شمار نحویان نامدار دیگری که تالیفاتی در قرائت داشته‌اند می‌توان از ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶هـ. ق) نام برد. ۱۶. قرائت خلف بن هشام (م ۱۵۰-۲۲۹هـ. ق) یکی از قرای عشر را نیز بدلیل مخالفت با حمزه در برخی حروف، اختیار دانسته‌اند. ۱۷.

۲. تحدید گرای در قرائات

در اوایل قرن سوم پس از آن که در بوم های پنجگانه مکه، مدینه، کوفه، بصره و شام قرائت های قاریان گوناگون شکل گرفت، امامان قرائت حرکت تحدید گرای قرائات را آغاز کردند و به جمع آوری قرائات معتبر پرداختند. ابن جزری می‌گوید:

ابو عبید قاسم بن سلام نخستین کسی است که در کتاب خود حدود سی نوع قرائت را برشمرد. پس از وی احمد بن جبیر انطاکی (م ۲۵۸هـ. ق) در تألیفی قرائات پنج قاری از شهرهای مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام را که مهد قرائات بوده‌اند گرد آورد. پس از وی قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی (د ۲۸۲ق) مصاحب قالون کتابی در قرائات نوشت و بیست نفر از قاریان برجسته را معرفی کرد. ابو جعفر محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ق) نیز کتابی با عنوان «الجامع» تألیف نمود که بیش از بیست قرائت در آن معرفی شده و همچنین ابوبکر محمد بن احمد بن عمر داجوبی (د ۳۲۴ق) که معاصر ابن مجاهد است در کتابی ده نوع قرائت را جمع آوری کرد. ۱۸.

ولی هیچ یک از این حرکت‌ها نتوانست در جریان تحدید قرائات مؤثر واقع شود و قرائات مختلف در گوشه و کنار شکل می‌گرفت.

۳. رسمیت یافتن قرائات هفتگانه و عوامل مؤثر بر آن

باید دانست در اوایل قرن چهارم ابن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴هـ. ق) قاری بزرگ بغداد

نخستین بار نظریه قرائت هفتگانه را مطرح و آن را رسمیت بخشید، به این ترتیب که قرائت قراء سبعة را لازم الاتباع عنوان کرد و قرائت دیگر را جایز ندانست.

طبعاً حرکت تحدید گرایانه ابن مجاهد در محافل علمی بوم های مختلف بازخوردهای متفاوتی به دنبال داشت. در بوم های عراق و ایران که قرائت و تألیفات مربوط به آن توسعه گرا بود و به اختیار گرایش داشت، قرائت سبعة نوعی تحدید تلقی می شد، به همین دلیل مخالفت هایی از جانب عالمان آن نواحی اعلام می گردید ولی در غرب جهان اسلام یعنی مصر و اندلس و آفریقاییه که تا قرن چهارم فقط قرائت نافع به روایت ورش مصری رواج داشت قرائت سبعة توسعه گرایی تلقی می شد. ابن جزری می گوید:

در اندلس و بلاد غرب تا اواخر قرن چهارم هیچ یک از این قرائت متداول نبود و اولین کسی که علم قرائت را به اندلس شناسانید ابو عمر ظلمنکی (م ۴۲۹ ه. ق) صاحب کتاب الروضه بود. ۱۹

از سوی دیگر باید توجه داشت پس از فروپاشی حکومت امویان و ظهور عباسیان، بنی امیه در اندلس مستقر شدند. ۲۰ به همین دلیل اندلس همواره سعی داشت در همه زمینه ها از حکومت مرکزی حمایت کند.

به هر روی ابن مجاهد در مقام شیخ الاسلامی بغداد با این مقدمه که کار اختلاف قرائت بالا گرفته است و باید از اجتهاد قاریان در اختیار قرائت جدید جلوگیری کرد قرائت صحیح را قرائت قراء سبعة عنوان کرد و در کتابی به نام السبعة قرائی هفتگانه یعنی ابن عامر - نافع، عاصم، ابن کثیر، حمزه، کسایی و ابو عمر بن علا را معرفی نمود. و بقیه قرائت های شناخته شده را در کتابی به نام الشواذ جای داد.

کار ابن مجاهد از چنان اهمیتی برخوردار شد که محافل قرآنی را کاملاً تحت تأثیر قرار داد. چنانکه از همان نیمه اول قرن چهارم کتاب های بسیاری درباره قرائت هفتگانه و ارزش و علل آن تألیف شد. در این میان به نظر می رسد کتاب ابن خالویه (م ۳۷۰ ه. ق) شاگرد ابن مجاهد با عنوان الحجۃ فی القرائت السبعة و نیز مؤلفات ابو عمرو عثمان بن سعید دانی اندلسی (م ۴۴۴ ه. ق) بیش از دیگران در رونق و رواج قرائت های هفتگانه مؤثر بوده است. ۲۱ در تبیین عوامل مؤثر بر قدرت و استحکام حرکت ابن مجاهد عالمان امور ذیل را برشمرده اند.

۱-۳. شخصیت علمی - قرائی ابن مجاهد

ابوبکر احمد بن موسی بن عباس ابن مجاهد (۲۴۵ هـ. ق - ۳۲۴ هـ. ق) از شخصیت های علمی و قرائی برجسته قرن چهارم است. شخصیت علمی ابن مجاهد از سوی دانشمندان علم قرائت کاملاً تأیید شده است. ذهبی صاحب معرفة القراء وی را ثقه و حجت دانسته است. ۲۲

ابن ندیم می گوید:

وی فردی یگانه در عصر خود و بی رقیب بوده است. ۲۳

جزری می گوید:

نام ابن مجاهد تا جاهای دور دست انتشار یافته و در کارش مشهور گشته، او نسبت به همگنان پیشتاز و نسبت به آنها برتر بوده است. و باید بر این مزایا دینداری، قدرت حافظه، خیر و برکت وجودش را افزود. ۲۴

او از نوجوانی در بغداد به تحصیل پرداخت، چنانکه از قدیم ترین شیوخ او می توان احمد بن منصور رمادی (د. ۲۶۵ ق) و نیز سعدان بن نصر و محمد بن عبدالله المخرمی و ابی بکر الصغانی و عباس الدوری را نام برد. از دیگر مشایخ او در قرائت از حسن بن عباس بن مهران، احمد بن ابن خیثمه، حارث بن اسامه، محمد بن یحیی کسائی صغیر، عبدالله بن احمد بن حنبل و احمد بن یحیی ثعلب می توان نام برد. ۲۵

مهمترین استاد ابن مجاهد در قرائت ابوالزعراف عبدالرحمن بن عبدوس (د. بعد از ۲۸۰ ق) است که بارها قرآن را به قرائت نافع، ابو عمرو، حمزه و کسائی نزد او ختم کرده بود. ۲۶

وی همچنین در سفر حج قرائت ابن کثیر را از محمد بن عبدالرحمن قبل در مکه فراگرفت. ۲۷ ابن مجاهد حتی از هم طبقه های خود چون محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ. ق) و ابوبکر داجونی (د. ۳۲۴ ق) استفاده کرده است. ۲۸

ابن جزری می گوید:

هیچ یک از اساتید قرائت به اندازه ابن مجاهد دانشجو و شاگرد نداشته است و راجع به ازدحام شاگردان وی در کلاس هایش مطالب بسیار آمده است. ابن جزم

حکایت می کند که در بغداد در حلقهٔ درس ابن مجاهد ۳۰ نفر از مصادر علم قرائت حضور پیدا می کردند و نیز علی بن عمر می گوید: چهارصد و هشتاد نفر از اساتید در کلاس درس او حضور داشتند.^{۲۹}

ابن خالویه، ابو سعید سیرافی، احمد بن نصر شذایی، ابن حبش حسین بن محمد، محمد بن عبدالله بن اشته، ابو عیسی بکار بن احمد، ابوطاهر عبدالواحد بن عمر یزاز و ابوالفضل شیبانی را در شمار شاگردان مشهور ابن مجاهد می توان برشمرد.^{۳۰} در جمع روایت کنندگان حدیث از وی بزرگانی چون: ابوالحسن دارقطنی، ابوحفص ابن شاهین، ابوبکر بن جعابی و ابوحفص کتانی، شایان توجه می باشند.^{۳۱}

۲-۳. نفوذ سیاسی - اجتماعی ابن مجاهد

ابن مجاهد شیخ القرائ بغدادی بوده است. بی تردید یکی از عواملی که در رسمیت یافتن نظریه قرائت های هفتگانه موثر افتاد شخصیت سیاسی و نفوذ سیاسی ابن مجاهد بود.^{۳۲} یارت، قرآن پژوه آلمانی می نویسد:

با توحید مصاحف عثمان، آزادی انتخاب درباره قرائات محدود شد ولی بکلی ممنوع نشد تا اینکه ابن مجاهد در نیمه اول قرن چهارم با حمایت سیاسی حکومت این ماجرا را به نتیجه منطقی رساند و قرائات غیررسمی را متوقف کرد.^{۳۳}

ابن مجاهد معاصر با الرازی بالله خلیفه عباسی است. می توان گفت دوران خلافت الرازی بالله دوران ضعف خلافت عباسیان می باشد. بنابر تصریح مورخان، ضعف خلافت بغداد به مردم نالایق فرصت می داد که مناصب بزرگ را خرید و فروش کنند. الرازی خلیفه عباسی کار دولت را به وزیرانی داده بود که منصب خویش را به مال خریده بودند.^{۳۴}

در این بین، ابن مجاهد با ابن مقله وزیر خلیفه عباسی و دیگر درباریان نزدیکی داشته است.

یا قوت می نویسد:

ابن مجاهد به سران حکومت نزدیکی بسیار داشته یعنی از مقربان دربار بوده است. وی نامه ای به هلال بن بدر (یکی از درباریان) نوشت و از وی راجع به چیزی درخواستی کرد وقتی نامه به هلال رسید درخواست او را بیشتر از نیازش برآورده کرد.^{۳۵}

به هر روی نزدیکی ابن مجاهد به سران حکومت از وی فردی با نفوذ ساخته بود چنانکه وی توانست در حوادث اجتماعی زمان خود مؤثر باشد. برای تأیید این مطلب که وی نفوذ سیاسی زیادی داشته چند ماجرای تاریخی قابل اشاره می باشد.

- محاکمه ابن شنبوذ در ۳۲۳ق - محاکمه ابن مقسم در ۳۲۲ق - ایفای نقش مؤثر در محاکمه حلاج. پیش از ۳۰۹ق.

محاکمه ابن شنبوذ (د. ۳۲۸ق)

ابوالحسن محمد بن احمد بن ایوب بن الصلت معروف به ابن شنبوذ از قاریان مشهور بغداد بود، که از او با القابی مانند: شیخ قراء در عراق،^{۳۶} استاد بزرگ^{۳۷} و شیخ المقرئین یاد کرده اند. ولی این شهرت پس از مرگ وی در میان مورخان و عالمان قرائت حاصل شد. در حالی که وی در عصر خود به سبب اختیار قرائات شاذ و عدول از قرائات مشهور به کثرت خطا و کمی دانش وصف شده است.^{۳۸} ابن شنبوذ از اینکه برای فراگیری علم قرائت به بلاد مختلف سفر کرده بود به ابن مجاهد فخر می فروخت. ذهبی نیز تأیید می کند که ابن شنبوذ بیش از ابن مجاهد استادان این علم را درک کرده است.^{۳۹} و برخی هم در مقایسه بین آن دو، ابن شنبوذ را دانایتر از ابن مجاهد و ابن مجاهد را عاقل تر از وی دانسته اند و نیز ابن جزری به نقل از ابوالفرج المعافی، شاگرد ابن شنبوذ، قدرت حافظه و احاطه وی به علوم مختلف را ستوده است.^{۴۰}

وقتی خبر ترویج قرائات شاذ توسط ابن شنبوذ به خلیفه عباسی، الرازی بالله و بنا به نوشته برخی^{۴۱} ابن مقله وزیر او رسید، او ابن شنبوذ را به خانه خویش احضار کرد، در این مجلس که ابن مجاهد و گروهی از قاضیان و فقیهان بغداد حضور داشتند، وزیر در برابر حاضران و شهود به مناظره با ابن شنبوذ برخاست. ابن شنبوذ اتهامات منتسب به خود را پذیرفت و به دفاع از آنها پرداخت و به ترک قرائات شاذ تن در نداد، اما پس از تحمل ۱۰ ضربه شلاق از کردار خود تبری جست و توبه نامه ای به خط خود نوشت. این وقایع در سال ۳۲۳هـ اتفاق افتاده است.^{۴۲}

یاقوت به نقل از ابو یوسف عبدالسلام قزوینی صاحب کتاب افواج القراء این واقعه را معلول سعایت ابن مجاهد دانسته است.^{۴۳} گرچه معاصران ابن شنبوذ، بر او خشم گرفتند ولی مورخان پس از وی از او دفاع کرده اند. ابو عمرو دانی، به روایات وی در قرائت

اعتماد کرده^{۴۴} و بدین طریق عملاً بر او اعتماد کرده است. ابوشامه گفته است که: ابن شنبوذ اگرچه در آراء خود به راه صواب نرفته است اما خطای او نباید سبب گردد که احترامش به عنوان یک مقری و عالم پایمال گردد.^{۴۵}

ذهبی، ابن شنبوذ را توثیق کرده و گوید:

او فردی صالح، متدین و در علم قرائت متبحر بوده است.^{۴۶}

ابن جزری نیز او را توثیق کرده و درباره وی گفته است: هیچ یک از رجال شناسان، روایات شاذ وی را سبب جرح و ضعف در عدالت او ندانسته اند.^{۴۷} از این توثیقات معلوم می شود دشمنی ابن مجاهد با وی دلیلی نداشته است و شاید تنها انگیزه های جاه طلبانه ابن مجاهد باعث شده بود که شخصیت ابن شنبوذ زیر سؤال برود.

البته قابل ذکر است که ابن شنبوذ سازگاری با رسم الخط مصحف را شرط قرائت صحیح نمی دانست.

محاكمه ابن مقسم

ابوبکر محمد بن حسن بن یعقوب عطار، معروف به ابن مقسم (۲۶۵ق-۳۵۴ق) وی مقری، مفسر، محدث و نحوی بغداد بوده است. عالمان او را تقه و یکی از آگاه ترین مردم به مکتب نحو کوفی و داناترین ایشان به قرائات مشهور و غریب و شاذ معرفی کرده اند.^{۴۸} خرده ای که بر او گرفتند این بود که در قرائت قرآن در نماز و غیر آن بر این باور بود که می توان هر قرائتی را انتخاب کرد، به شرط اینکه با رسم مصحف موافق و از لحاظ لغت و ادب عرب توجیه پذیر باشد.^{۴۹} اما به گفته ابوحیان، ابن مقسم قرائتی از خود نساخته و هر چه قرائت کرده براساس روایت و حجت بوده است.^{۵۰}

شیوخ نظر ابن مقسم، اهل علم را بر ضد او برانگیخت و در ۳۲۲ق به فرمان خلیفه القاهر بالله، ابن مجاهد بغدادی و چند تن از قضات با وی مناظره کردند و او را به توبه واداشتند و کتابهایش را سوزاندند. ابن مجاهد از خلیفه خواست تا از تأدیب او در گذرد که مورد قبول افتاد، ولی ابن مقسم پس از مرگ ابن مجاهد همچنان روش خود را دنبال کرد.^{۵۱}

محاكمه حلاج

یکی دیگر از مسایلی که به فرضیه قدرت سیاسی ابن مجاهد کمک می کند. تأثیر وی

در دستگیری و محاکمه منصور حلاج (پیش از ۳۰۹ق) می باشد. ماسینیون از کسانی است که معتقد است ابن مجاهد در اعدام حلاج نقش مؤثری داشته است.

ماسینیون می گوید:

در هنگامه ای که در ضمن آن حلاج اعدام شد ابوبکر احمد بن موسی بن مجاهد در بین علمای سنی بغداد استاد قرائت بود. ابن مجاهد در یرتو سلطه خود بر وزیران عباسی، ابن عیسی نایب وزیر حامد و بویژه ابن مقله دولت را وادار به تصویب دو اصلاح مهم کرد. یکی تثبیت صور مختلفه مجاز در قرائت قرآن عثمان و دیگر تحریم استعمال صور قدیم قرآن که غیر از متن عثمانی باشد. یعنی مصاحف عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و علی بن ابی طالب را از آن پس تحریم کرد.

ماسینیون نیز می گوید:

ابن مجاهد در صف نخستین مخالفان حلاج است. قطعه‌هایی از حلاج مضبوط مانده است که شامل چهار شواذ نص قرآن است. غیر از آن ابن مجاهد، حلاج را عامل طریقه ای کلی برای قرائت قرآن می داند که همانا طریقه صوفیان است. در حالی که خصومت ابن مجاهد شامل حال صوفیان دیگر نمی شود. ۵۲

به هر روی خلیفه به ابن عیسی وزیر خود دستور داده بود به پرونده حلاج رسیدگی کند و ابن عیسی نیز ابن مجاهد را در جریان محاکمه حلاج وارد کرد. در نخستین دادرسی حلاج به زندان محکوم شد. این پرونده حدوداً هشت سال موقوف ماند و در این فترت ابن مجاهد و ابن عیسی به دلایلی خود را از این ماجرا دور کردند و در جریان محاکمه حلاج وارد نشدند.

به این ترتیب در خلال اوضاع تاریخی به سه مورد مهم از نفوذ سیاسی ابن مجاهد در جریانات مواجه شدیم که می تواند ما را به دریافت یکی از مؤلفه های مؤثر بر رسمیت یافتن قرائات هفتگانه رهنمون شود.

۳-۳. موقعیت سیاسی - فرهنگی بغداد و مرکزیت آن در مکتب سازی قرن چهارم هجری به طوری که از گزارش های تاریخی مربوط به شهر بغداد دریافت می شود. این شهر در سده های اول و دوم هجری موقعیت فرهنگی - علمی ممتازی نداشته است. و در عراق، شهرهای کوفه و بصره مرکز علم و فرهنگ بوده اند و این تنها در قرن سوم و چهارم است که

بغداد به لحاظ اینکه مرکز خلفای عباسی و پایتخت ایشان است، موقعیت ممتازی پیدا می‌کند. دانش دوستی برخی خلفای عباسی باعث می‌شود، علما و دانشمندان مختلفی به شهر بغداد بیایند و برای خود حلقه‌های درسی ایجاد کنند.

مورخان تصریح می‌کنند که بغداد در نیمه دوم قرن دوم هجری به فرمان منصور عباسی ساخته شد و با صرف هزینه بسیار معمور و آبادان گشت و به سرعت مرکز تجارت و کعبه علم و ادب و هنر شد. و تا سال ۶۵۶ هـ. ق که مغولان به ویرانی آن پرداختند همچنان رونق و شکوه خود را حفظ کرد. ۵۳

خلفای عباسی، در دروان اقتدار خود به تعظیم و تکریم علما و دانشمندان پرداختند. از این رو دانشمندان از هر گوشه بلاد اسلامی به بغداد آمدند. کتابخانه‌های بسیار بزرگی در این شهر دایر شد که انگیزه دیگری برای حضور دانشمندان بوده است. ۵۴

ولی در قرن چهارم هجری در رابطه با کلیه رشته‌های علوم اسلامی، جریانی مبنی بر سد باب اجتهاد رواج پیدا می‌کند. همان گونه که در فقه، حکم بر این قرار می‌گیرد که مذهب فقهی جدیدی پایه ریزی نشود و اهل سنت به همان چهار مذهب باید بسنده کنند در قرائات نیز به نظر می‌رسد همین سیاست حاکم است و شخصیت صاحب نفوذی همچون ابن مجاهد همت خود را بر این معطوف می‌دارد که از ظهور و بروز اندیشه‌های قرائی جدید جلوگیری نماید و با این عنوان که اختلاف قرائات موجب سرگردانی مردم است چند قرائت خاص را برمی‌گزیند. ۵۵ و در عین حال که در بغداد قاریان دیگری با معیارهای قرائی دیگر وجود داشتند، همت خود را بر این قرار می‌دهد که به هر وسیله شده حتی با نفوذ سیاسی قضایی، رقیبان را از میدان به درکند و نظریه توقف در هفت قرائت را، رسمیت بخشد.

۳-۴. تأثیر روانشناختی گزینش سبع در مقبولیت نظر ابن مجاهد

پیشتر بیان شد که قبل از ابن مجاهد حرکت‌هایی در جهت تحدید قرائات صورت گرفته بود. ولی معلوم نیست به چه علت ابن مجاهد عدد هشت، ده و یا چهارده را مطرح نکرده است. این احتمال وجود دارد که ابن مجاهد به این موضوع توجه کرده که عدد هفت همیشه در بین شرقی‌ها عدد خاصی بوده است. چنانکه برخی مستشرقان بر این باورند که عدد هفت اثر جادویی بر نفوس سامی‌ها دارد. ۵۶ لذا انتخاب ابن مجاهد بر پایه یک

روانشناسی اجتماعی است. حدیثی هم با این مضمون که «انزل القرآن علی سبعة احرف» بین مسلمانان رواج داشتند و حتی در برخی تفاسیر قرن سوم مانند تفسیر طبری «سبعة احرف»، به هفت قرائت تفسیر شده است. ۵۷

احتمالاً این حدیث مورد نظر و توجه ابن مجاهد بوده است ولی از آن در کتاب خود نامی نیاورده. ولی مردم خیلی زود متوجه این رابطه شدند و همین امر موجب تقدس قرائات سبع گردید. ابن جزری می گوید:

جهال فکر می کنند احرف سبعة همان قرائات سبعة است و این کار را هفت گر انجام داد که جاهلان را به این طریق سوق داد. ۵۸

ولی ابن مجاهد زیرکانه هیچ ذکری از این حدیث نیاورده که مورد انتقاد قرار نگیرد.

۳-۵. تمایلات کوفی گرایانه ابن مجاهد

ابن مجاهد، در گزینش قاریان از هر شهر کسی را برگزید که مردم آن دیار بر قرائت او اتفاق داشتند. چنانکه انطاکی نیز از هر شهر یک نفر را برگزیده بود. ولی ابن مجاهد، از بوم کوفه علاوه بر قرائت حمزه دو قرائت دیگر یعنی قرائت عاصم و کسایی را نیز اضافه کرد، با این که قرائت غالب در کوفه قرائت حمزه بوده است. از سوی دیگر کسانی چون ابوجعفر مخزومی (م ۱۳۰ ه. ق) در مدینه و یعقوب حضرمی (م ۲۰۵ ق) در بصره دارای قرائات رایج و مشهوری بوده اند، و اگر ابن مجاهد بدنبال جمع آوری قرائات مشهور بود باید قرائات ایشان را نیز رسمیت می بخشید. در اینجا باید توجه داشت که کوفه به لحاظ قرایی اهمیت زیادی داشته است. چون از سویی قرائت ابن مسعود در کوفه پایه گذاری شد. از سوی دیگر قرائت علی (ع) و شاگردان وی در کوفه پایگاه داشته است. عثمان نیز با فرستادن مصحف امام خود به کوفه ردپایی از قرائت در کوفه ایجاد کرده بود. که ابن مجاهد به همه این موارد عنایت داشته است. در عین حال پژوهشگران با توجه به قرینه هایی بر این باورند که ابن مجاهد از تعالیم نحویان کوفی به ویژه فراء تأثیر زیادی پذیرفته و همین تمایلات کوفی گرایانه باعث شد وی به قاریان این شهر اهمیت بیشتر بدهد. ۵۹

۴. مخالفان ابن مجاهد در انتخاب قرائات سبع

بیشتر بیان شد که برخی قاریان بغداد معیارهای ابن مجاهد را در قرائت نپذیرفتند و

مورد توییح حکومت قرار گرفتند. با توجه به این که ابن شنبوذ، سازگاری قرائت با رسم الخط و ابن مقسم صحت سند را شرط صحت قرائت نمی دانستند، درمی یابیم که این دو شرط از نظر وی برای صحت قرائت لازم بوده است. از سوی دیگر به سازگاری با قواعد نحو عربی اهمیت می داده است، ولی شهرت بومی قاری از نظر وی شاخص مهمی در گزینش بوده با این همه وی قرائت یعقوب و ابوجعفر را که شهرت زیادی در بصره و مدینه داشتند، انتخاب نکرد. که همین امر موجب اعتراض هایی نسبت به وی شد. مخالفان می پرسیدند قرائت یعقوب و کسانی که لحاظ دارا بودن شروط سه گانه چه تفاوتی دارند؟ برخی از انتقادهای نیز مربوط به انحصار قرائات معتبر به عدد هفت است. زیرا دلیل موجهی در عقل و نقل ندارد. ۶۰ به جز این موارد انتقادهای دیگری نیز به گزینش ابن مجاهد صورت گرفت. ۶۱ اما در این میان مخالفت دو حوزه خراسان و مصر از همه قابل توجه تر است.

۴-۱. خراسان

از آنجا که در بین قاریان ایرانی اختیارگرایی رواج داشت. حرکت ابن مجاهد در خراسان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

ابوبکر احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (۲۹۵-۳۸۱ ه. ق) مقری مشهور خراسان و اولین مؤلف درباره قرائات ده گانه از شمار کسانی است که بر انتخاب ابن مجاهد خرده گرفت. ابن مهران از قاریان برجسته ای است که از اساتید ابن علم در شهرهای نیشابور، سمرقند، عراق و شام بهره گرفته ۶۲ و شاگردان زیادی داشته است. پس از آنکه در حدود سال ۳۰۰ ق، ابن مجاهد قرائات هفتگانه را رسمیت بخشید و نظریه او تا حدود نیم قرن بر عالم قرائت حاکم بود. ابن مهران با تألیف اثر خود با عنوان الشامل، قرائات عشر را مطرح کرد و علاوه بر آن هفت قرائت، قرائت یعقوب و ابوجعفر و خلف بن هشام را نیز تأیید نمود. ابن مهران پس از آن در کتاب الغایه فی القراءات، در کنار قرائات عشر، اختیار ابو حاتم سجستانی را نیز مورد عنایت قرار داده است. ۶۳ و احتمال دارد که منظور وی آن بوده که عدد خاصی مطرح نگردد. شاگرد وی اندرابی نیز در الايضاح قرائت ابن محیصن و ابو عبید را به این ها اضافه کرد. ۶۴ پس از ابن مهران نصر بن عبدالعزیز فارسی (م ۴۶۱ ه. ق) و ابو کرم شهروزی (م ۵۵۰ ه. ق) و از همه مهمتر ابن جزری (م ۸۳۳ ه. ق) به تألیف در باب قرائات دهگانه پرداختند.

حوزه دیگری که با گزینش ابن مجاهد مخالفت می کند حوزه مصر است. چنانکه بیشتر بیان شد در مصر تا اواخر قرن چهارم قرائت نافع به روایت ورش مصر قرائت غالب بوده است. ۶۵. در اواخر قرن چهارم با حضور دو عالم مهاجر از حلب: عبدالمنعم بن غلبون (م ۳۸۹هـ. ق) و پسرش طاهر، حوزه قرائت مصر به حوزه پرتوانی تبدیل شد. ۶۶. ابوالحسن طاهر بن عبدالمنعم بن عبیدالله ابن غلبون (م ۳۹۹هـ. ق) مقری شافعی در مصر به عنوان استاد معتبر قرائت شناخته شده بود. وی علاوه بر اساتید مصر از محضر علمای قرائت در عراق (بصره، بغداد) و حلب بهره برده است. ۶۷. ابن غلبون، یعقوب را در کنار قاریان هفتگانه به عنوان قاری هشتم جای داد و کتابی به نام التذکره درباره قرائت هشتگانه تألیف کرد. پس از وی ابوبکر احمد بن عبیدالله بن ادریس کتابی به نام المختار و پس از او ابوالحسن علی بن جعفر رازی (م حدود ۴۱۰هـ. ق) کتابی به نام اختلاف القراء الثمانية درباره قرائت هشتگانه تألیف کردند.

باید دانست پس از چندی تلاش هایی در جهت معرفی قرائت چهارده گانه صورت گرفت و حسن بصری (م ۱۱۰هـ. ق)، ابن محیصن (م ۱۲۳هـ. ق)، یحیی بن مبارک یزیدی (م ۲۰۲هـ. ق) و ابوالفرج شنبوذی (م ۳۲۸) به قاریان دهگانه اضافه شد. ۶۸. و دمیاطی (م ۱۱۷هـ. ق) در کتاب اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربع عشر قرائت چهارده گانه را مطرح می کند. این قرائت، هر یک با دو روایت مجموعاً بیست و هشت قرائت مجاز را مطرح کرده اند. ۶۹. البته در بین عامه مردم فقط یک قرائت رواج دارد. به همین دلیل است که امام صادق (ع) می فرمایند: قرآن را همان گونه که مردم می خوانند قرائت کنید. ۷۰.

نتیجه گیری

از مجموع این مطالعات می توان این طور نتیجه گرفت که مؤلفه های مؤثر بر پیدایش و رسمیت یافتن قرائت های هفتگانه عبارتند از:

- شخصیت علمی برجسته و ممتاز ابن مجاهد.
- پایبندی ابن مجاهد به مکتب کوفه در نحو و قرائت.

- نفوذ سیاسی ابن مجاهد و نزدیکی وی با وزرای حکومت عباسی .
 - علاقه عمومی حکومت به پایان دادن به اجتهاد در زمینه همه علوم .
 - موقعیت ممتاز شهر بغداد و علمای آن در جهت دهی به سایر علما .
 - زیرکی و فراست ابن مجاهد در شناخت و استفاده از موقعیت ها و دریافت علایق روانی اجتماعی مردم هم عصر خود .

- علاقه عمومی به از بین رفتن اختلاف در قرائت ها .
 به هر روی با همه مخالفت هایی که صورت گرفت . قرائات سبع جایگاهی استوار یافت و به میان آمدن قرائات عشر و نظایر آن هرگز نتوانست «قرائات سبع» ابن مجاهد را در طول تاریخ از رونق بیاندازد .

- ۱ . المنجد المقرئین / ۳ .
- ۲ . سورة اسراء ، آیه ۱۰۶ .
- ۳ . مقدمه ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن / ۱۳ .
- ۴ . معرفة القراءة الکبار ، ۱ / ۳۷-۱ .
- ۵ . صحیح بخاری ، ۵۸۱ / ۶ .
- ۶ . بیان در علوم و مسائل کلی قرآن ، ۱ / ۳۳۶-۳۵۰ .
- ۷ . کازانوار / ۱۰۳-۱۱۵ ؛ موتسکی / ۸ .
- ۸ . الابانة / ۴۵ .
- ۹ . تاریخ نگارش های ادبی ، ۱ / ۳۷ .
- ۱۰ . الفهرست / ۴۰۳ ، فهرست / ۶ .
- ۱۱ . غایه النهایه ، ۱ / ۴ .
- ۱۲ . تاریخ نگارش های ادبی ، ۱ / ۳۷-۴۹ ؛ تاریخ قرائات قرآن کریم / ۴۰-۴۵ ؛ الکافی فی القرائات السبع / ۱۶ .
- ۱۳ . غایه النهایه ، ۱ / ۳۲۰ .
- ۱۴ . دایره المعارف بزرگ اسلامی ، ۱۵ / ۳۱۲ ، ابو حاتم سجستانی .
- ۱۵ . غایه النهایه ، ۲ / ۱۸ .
- ۱۶ . دایره المعارف بزرگ اسلامی ، ۴ / ۴۵۷-۴۵۹ ، ابن قتیبه .
- ۱۷ . غایه النهایه ، ۱ / ۲۷۴ ؛ معرفة القراءة الکبار ، ۱ / ۱۷۱ .
- ۱۸ . النشر فی قرائات العشر / ۳۴ .
- ۱۹ . همان .
- ۲۰ . تاریخ سیاسی اسلام ، ۲ / ۲۰۷ .

- ٢١ . تاريخ قرائات قرآن كريم / ٥٧-٦٢ .
- ٢٢ . معرفة القراء الكبار، ١/٢١٧ .
- ٢٣ . الفهرست / ٥٥ .
- ٢٤ . غايه للنهايه، ١/١٤٢ .
- ٢٥ . تاريخ بغداد، ٥/١٤٥ .
- ٢٦ . غايه النهايه، ١/٣٧٤ .
- ٢٧ . همان / ١٤٠ .
- ٢٨ . النشر في قرائات العشر، ١/٣٤ .
- ٢٩ . غايه النهايه، ١/١٤٢ .
- ٣٠ . تاريخ بغداد، ٥/١٤٥-١٤٦ .
- ٣١ . همان .
- ٣٢ . التمهيد في علوم القرآن، ٢/٣٢٩ .
- ٣٣ . پارت، ٥/١٢٧ .
- ٣٤ . تاريخ سياسى اسلام، ٣/٣٩٥ .
- ٣٥ . معجم الأدباء، ٢/١١٩ .
- ٣٦ . معرفة القراء الكبار، ١/٢٢١ .
- ٣٧ . غايه النهايه، ٢/٥٢ .
- ٣٨ . الفهرست / ٥٥ .
- ٣٩ . معرفة القراء الكبار، ١/٢٢٢-٢٢٣ .
- ٤٠ . غايه النهايه، ٢/٥٥-٥٦ .
- ٤١ . معجم الادبا، ١٧/١٧١؛ وفيات الاعيان، ٤/٣٠٠ .
- ٤٢ . تاريخ بغداد، ١/٢٨٠-٢٨١؛ المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، ٦/٣٠٧-٣٠٨ .
- ٤٣ . معجم الادبا، ١٧/١٧٠-١٧١ .
- ٤٤ . التيسير / ١٥ .
- ٤٥ . دائره المعارف بزرگ اسلامى، ٤/٨٩ .
- ٤٦ . معرفة القراء الكبار، ١/٢٢٢ .
- ٤٧ . غايه النهايه، ٢-٥٢-١٢٣ .
- ٤٨ . معرفة القراء الكبار، ١/٢٤٦-٢٤٨؛ تاريخ بغداد، ٢/٢٠٦، غايه النهايه، ٢/١٢٤ .
- ٤٩ . تاريخ بغداد، ٢/٢٠٧ .
- ٥٠ . البصائر و الذخائر، ٢/٣٧٨ .
- ٥١ . معرفة القراء الكبار، ١/٢٤٨ .
- ٥٢ . مصابيح حلاج / ٢٥٢-٢٥٣ .

٥٣. تاريخ سياسى اسلام، ٣١٦/٢.
٥٤. پژوهشى در تاريخ حديث شيعه/٥٢٧.
٥٥. وئش، ٤٠٩-٤٠٨/٥.
٥٦. مباحث فى علوم القرآن/١٠٤.
٥٧. جامع البيان عن تأويل آى القرآن، ١٥/١ به بعد.
٥٨. النشر فى قرائات العشر، ٣٦/١.
٥٩. دائره المعارف بزرگ اسلامى، ٥٨٣-٥٨١/٤.
٦٠. النشر فى قرائات العشر، ٤٣-٣٦/١.
٦١. التمهيد فى علوم القرآن، ٢٣٢/٢.
٦٢. غايه النهايه، ٥٠-٤٩/١.
٦٣. همان، ١٤٦/١.
٦٤. قرائات القراء المعروفين/٧٥.
٦٥. النشر فى قرائات العشر، ١٤١/١.
٦٦. دائره المعارف بزرگ اسلامى، ٤٦٩/٩.
٦٧. معرفه القراء الكبار، ٢٩٧/١.
٦٨. مباحث فى علوم القرآن/٢٥٠.
٦٩. تاريخ قرآن، معرفت/١٣٤.
٧٠. اصول كافي، ٦٣٣/٢.

منابع و مأخذ:

١. الاندلسى؛ محمد بن شريح؛ الكافى فى القرائات السبع؛ تحقيق احمد محمود عبدالسميع الشافعى، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠٠م.
٢. ابن الجزرى، النشر فى القرائات العشر، تصحيح على محمد ضبايع، دارالفكر، بى تا، ج ١.
٣. همان، منجد المقرئين، قاهره، الوطنيه الاسلاميه، ١٣٥٠هـ. ق.
٤. همان، غايه النهايه، به كوشش برگشتر سر، مكتبة الخانجى، مصر، ١٩٣٢م.
٥. ابن جوزى، المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم، دايرة المعارف العثمانيه، حيدرآباد دكن، ١٣٥٨هـ. ق.
٦. ابن خلكان، وفيات الاعيان، مكتبه النهضه المصريه المصير، ١٩٤٨م.
٧. ابن نديم، الفهرست، ترجمه جديد.
٨. اندرايى، احمد بن ابى عمر، قرائات القراء المعروفين، به كوشش احمد نصيف جنانى، بيروت، ١٤٠٧.
٩. ابوحيان توحيدى، البصائر و الذخائر، به كوشش ابراهيم كيلانى، دمشق، ١٩٦٤م.
١٠. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٣٧٨م.
١١. پاكست چى، احمد، «ابن مجاهد»، دايره المعارف بزرگ اسلامى، ج ٤ و ٩، تهران، ١٣٧٠هـ. ش.

۱۲. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، چاپ پنجم.
۱۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ق.
۱۴. خوینی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هریسی، قم، ۱۳۶۰هـ.ق.
۱۵. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر، به کوشش اتو برتسل، استامبول، ۱۹۳۰م.
۱۶. دمیاطی، بناء، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر، تصحیح و تعلیق علی محمد ضباع، قاهره، مطبعه نهضه مصر، ۱۳۷۷هـ.ق.
۱۷. ذهبی، شمس الدین، معرفة القرا الکبار، تحقیق محمد سید جادالحق، دارالکتب الحدیثه مصر، بی تا ط ۱.
۱۸. دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵ و ۴، تهران، ۱۳۷۰هـ.ق.
۱۹. زرکش، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۷م، ط ۱.
۲۰. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه الکرام لعلوم الاسلام، بغداد، ۱۹۵.
۲۱. سزگین، فواد، تاریخ نگارش های ادبی، ترجمه مؤسسه نشر فهرستگان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱.
۲۲. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳هـ.ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۲۷م.
۲۴. طوسی، ابو جعفر، فهرست، انتشارات دانشگاه مشهد، به کوشش محمود رامیار، مشهد، ۱۳۵۱.
۲۵. فضلی، عبدالهادی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، انتشارات اسوه، بی تا.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷هـ.ق.
۲۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، ۱۳۹۷هـ.ق.
۲۸. همان، تاریخ قرآن، سمت، ۱۳۷۵هـ.ش.
۲۹. ماسینیون، مصابیح حلاج، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، بنیاد علوم اسلام، ۱۳۶۲هـ.ش.
۳۰. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی ضریح، تهران، ۱۳۷۴هـ.ش.
۳۱. همان، «مقدمه ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن» مقالات و بررسیها، دفتر ۶۳، ۱۳۷۷هـ.ش.
۳۲. مکی ابن ابی طالب، الابانه، تحقیق دکتر عبدالفتاح اسماعیل شلیبی، قاهره، مطبعه الرساله، بی تا.
۳۳. یاقوت حموی (ارشاد)، معجم الادبا، تصحیح مرگلیوث، مطبعه هندیه، مصر، ۱۹۲۴م، ط ۲.
۳۴. Casanova, p. Mohammed et la fin dumomde, paris, 1981.
۳۵. Welch, A. T. Kuran, Encyclopedia of islam, volume V, Leiden, Brill, 1986.
۳۶. Paret, Rudy, Kiraa, Encyclopeda if islam, volume V, Leden, Brill, 1986.
۳۷. Motzki, H., The collection of the Quran, der islam, 78.